

متن پرسش

سلام و عرض ارادت خدمت معلّم عزیز و بزرگوار جناب استاد طاهرزاده. روز معلّم را خدمت جنابعالی تبریک عرض می‌کنیم. به لطف الهی از حضرتعالی چیزهای زیادی یاد گرفتیم. امیدواریم که خدای متعال به احسن وجه از شما بپذیرد و شما را در دنیا و آخرت و در عالی‌ترین درجات با پیغمبر اکرم و اهل بیت طاهربینش علیهم‌السلام محشور فرماید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: با تشکر از لطف جنابعالی. امید است بتوانیم در راهی حاضر شویم که با دل‌زندگی تمام، موجب حیاتی فعال برای رفقا و برای خودمان باشیم. آری! قصه ما قصه خاصی باید باشد به همان معنایی که جناب ملک الشعراى بهار فرمود: «روح پدرم شاد که می‌گفت به استاد / فرزند مرا عشق بیاموز و دگر هیچ». حال مائیم و جهانی که تنها با شور و شوق معنوی در تاریخی که تاریخ توحید است در مقابل شرک، باید عشق را به معنای امروزی آن مزمره کنیم. موفق باشید نظر جنابعالی را به نامه ای که مشهور است آقای ابراهام لینکلن به معلم پسرش نوشته جلب می‌کنم. به پسرم درس بدهید. او باید بداند که همه مردم عادل و همه آن‌ها صادق نیستند، اما به پسرم بیاموزید، که به ازای هر شیاد، انسان صدیقی هم وجود دارد. به او بگویید، به ازای هر سیاستمدار خودخواه، رهبر جوانمردی هم یافت می‌شود. به او بیاموزید، که در ازای هر دشمن، دوستی هم هست. می‌دانم که وقت می‌گیرد، اما به او بیاموزید، اگر با کار و زحمت خویش، یک دلار کاسپی کند بهتر از آن است که جایی روی زمین پنج دلار بیابد. به او بیاموزید، که از باختن پند بگیرد. از پیروز شدن لذت ببرد. او را از غبطه خوردن بر حذر دارید. اگر می‌توانید، به او نقش موثر کتاب در زندگی را آموزش دهید. به او بگویید، تعمق کند، به پرندگان در حال پرواز در دل آسمان دقیق شود. به گل‌های درون باغچه و زنبورها که در هوا پرواز می‌کنند، دقیق شود. به پسرم بیاموزید که در مدرسه بهتر این است که مردود شود اما با تقلب به قبولی نرسد. به پسرم یاد بدهید، با ملایم‌ها، ملایم و با گردن‌کش‌ها، گردن‌کش باشد. به او بگویید، به عقایدش ایمان داشته باشد حتی اگر همه بر خلاف او حرف بزنند. به پسرم یاد بدهید، که همه حرف‌ها را بشنود و سخنی را که به نظرش درست می‌رسد انتخاب کند. ارزش‌های زندگی را به پسرم آموزش دهید. اگر می‌توانید به پسرم یاد بدهید که در اوج اندوه تبسم کند. به او بیاموزید که از اشک ریختن خجالت نکشد. به او بیاموزید که می‌تواند برای فکر و شعورش مبلغی تعیین کند، اما قیمت

گذاري براي دل بي معناست. به او بگوييد، كه تسليم هياهو نشود و اگر خود را بر حق مي داند پاي سخنش بايستد و با تمام قوا بجنگد. در كار تدريس به پسر ملامت به خرج دهيد، اما از او يك نازپرورده نسازيد. بگذاريد كه او شجاع باشد، به او بياموزيد كه به مردم اعتقاد داشته باشد توقع زيادي است اما ببينيد كه چه مي توانيد بكنيد.